



در حادثه سقوط هواپیمای تهران-یاسوج به‌عنوان یکی از امدادگران جمعیت هلال احمر و در قالب تیم‌های جست‌وجو در روزهای پُر التهاب پیدا کردن محل سقوط هواپیما حضور داشتیم. همان روزهای نخست این حادثه در دناک همگی تلاش می‌کردیم هر چه زودتر به لاشه هواپیما دست پیدا کنیم. صعود و فزوده‌های چند ساعته برای پیدا کردن لاشه هواپیما انرژی زیادی از امدادگران و کوهنوردان می‌گرفت اما همین که برای تجدید قوا به پایین قله بر می‌گشتیم، این خانواده‌های حادثه‌دیده بودند که به ما انرژی می‌دادند. وقتی سختی کار امدادگران و کوهنوردان در شرایط سخت آب و هوایی قله را می‌دیدند، درست مثل فرزندان خودشان برای ما هم دل نگرانی می‌شدند.

نجات طبیعت گردان از دل صخره‌ها

خرده روایت هایی از عملیات امدادگران پایگاه کوهستانی شیر پلا

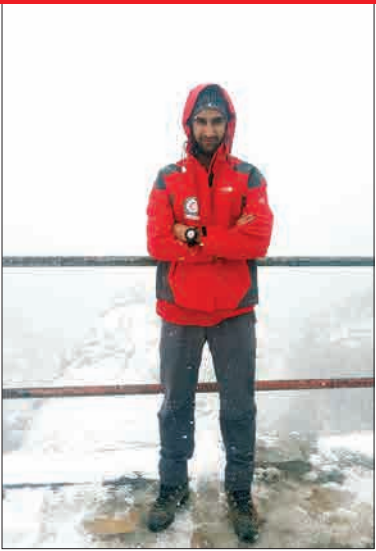
علی جواهری | خبرنگار | تابستان، وسوسه برانگیز ترین فصل برای کوهنوردی و صعود به بلندی های البرز مرکزی است. این هوای دلپذیر باعث می شود خیلی ها که سر رشته ای هم در کوهنوردی ندار ند بدون داشتن تجهیزات و تجربه کافی و تسلط به مسیر، قصد فتح قله توجال به سر شان بزنند. بار ها پیش می آید که نم باران تبدیل به رگبار و باران شدیدی می شود و هوا رو به سردی می رود. کم کم خستگی بر جان می نشیند و تمام وجود کوهنورد را فرا می گیرد. در این زمان راه برگشتی هم نیست و گاهی راه آمده، گم و هوا تاریک می شود. گرسنگی و غرش حیوانات وحشی هم هراس و لرزه بر تن می اندازد. اینطوری است که ناامیدی در تمام وجود رخنه می کند و مرگ در چند قدمی احساس می شود. اینجااست که امدادگران سرخ پوش برای نجات به دل کوه می زنند و وجب به وجب کوهستان را جست و جوی کنند و بار دیگر رخت زندگی بر تن طبیعتگرد بی رمق می پوشانند. در این صفحه پای صحبت های امدادگران بی ادعای شیر پلاي شهرستان شمیرانات نشسته ایم و از خاطراتشان شنیدیم که چگونه در سخت ترین شرایط اقلیمی مناطق کوهستانی به کمک گرفتاران و در راه ماندگان می شتابند.

نام و نام خانوادگی: آرین شکوری راد
سن: ۲۱ ساله
سمت: نجاتگر یکم و کوهنورد حرفه ای



استقامت بدنی و تمرین مداوم از خصوصیت های امدادگرانی است که در کوهستان عملیات امداد و نجات انجام می دهند. یک امدادگر کوهستان باید تمرکز و دقت عمل بسیار زیادی داشته باشد. چون در غیر این صورت جان خود و مصدوم را به خطر می اندازد. گاهی وقت‌هایی شود که در طول یک روز مادر چند عملیات دشوار شرکت می کنیم که هر کدامشان در مسیرهای صعب‌العبور و انواع شرایط آب و هوایی انجام می گیرد. یک بار پس از آمدن از یک عملیات، عملیات دیگری اعلام شد که یک کوهنورد داخل دره ای افتاده است. با آن خستگی بعد از استقرار کارگاه به داخل دره برای نجات او رفتیم. مصدوم حال خوشی نداشت و از چند ناحیه دچار شکستگی شده بود که بعد از انجام اقدامات اولیه و بستن آتل، او را با رعایت نکات ایمنی به بالا منتقل کردیم. وضع مصدوم به قدری نامناسب بود که به هیچ وجه امکان حرکت وجود نداشت. مجبور شدیم از بالگرد درخواست کمک کنیم. در آن منطقه ای که ما بودیم امکان نشستن بالگرد وجود نداشت. مجبور شدیم مصدوم را تا محله مناسب نشستن بالگرد برسانیم. هنوز مأموریتمان تمام نشده بود که از مرکز اطلاع دادند یکی از کوهنوردان با صورت روی صخره ها زمین خورده است و حال چندان خوبی ندارد. روی سنگ های صخره ها برای رسیدن به مصدوم طوری می پریدیم که در حالت عادی چنین چیزی امکان ندارد. وقتی به مصدوم رسیدیم حال چندان خوشی نداشت و تمام صورتش زخمی شده بود. بعد از انجام اقدامات اولیه او را به آمبولانس رساندیم. البته همه این کارهایی که انجام می دهیم وظیفه ماست. اما همیشه دعا می کنم که هیچ حادثه ای برای کسی رخ ندهد که نیاز به امداد داشته باشد.

نام و نام خانوادگی: محمد رحیمیان
سن: ۲۳ ساله
سمت: نجاتگر سوم و کوهنورد حرفه ای



نام و نام خانوادگی: حسین حیدری
سن: ۴۲ ساله
سمت: مسئول پایگاه شیرپلا، نجاتگر یکم



به خاطر جند عدد گردو

حوادث رشته کوه‌های شمیرانات در فصل های مختلف سال تفاوت دارد. در پاییز و زمستان گمشدگی و نجات کوهنوردان از کولاک و... عمده ترین ماموریت هاست و در

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

بر اساس مهارتی که در کوهنوردی داشتیم فعالیت هایم را در امداد کوهستان شروع کردم. نخستین عملیاتم را به هیچ وجه فراموش نمی کنم؛ شاید بدترین عملیاتی بود که تاکنون در آن حضور داشتیم. در پایگاه نشسته بودیم که یکبار یکی از کوهنوردان سراسیمه وارد شد و گفت: «یک نفر در محدوده پیاز چال بیهوش روی زمین افتاده است.» بلافاصله وسایل لازم را برداشتیم و به سوی مصدوم حرکت کردیم. تمام مسیر را دویدم تا اینکه بعد از یک ساعت مصدوم را پیدا کردم. سطح هوشیاری بسیار پایینی داشت و عضلاتش به شدت سفت شده بود. بدون معطلی اقدامات لازم را انجام دادم و حال مصدوم را جا آوردم. ولی او نمی توانست حرکت کند. او را روی کولم گذاشتم و با دشواری مسیر یک ساعته را حدود ۳ ساعت تا پایگاه طی کردم. وقتی علامت حیاتی اش مساعد شد با کمک بچه های پایگاه او را به پایین کوه و از طریق آمبولانس به بیمارستان انتقال دادیم. بعد از چند روز وقتی پیگیر حالش شدم روند درمانی اش را به سلامت طی کرده بود. آن وقت تمام خستگی هایم در رفت. عملیات در کوهستان بسیار طاقت فراست اما شیرینی نجات یک انسان به تمام سختی هایش می ارزد.

نجات ۲۱ کوهنورد گمشده

بعضی ها فکر می کنند که کوهنوردی کار بسیار آسانی است و به همین دلیل گاهی بدون تجهیزات مناسب دل به کوه می زنند. این تفکر بسیار اشتباه برخی از کوهنوردان است. البته دانستن مسیر یکی از اصول کوهنوردی است که باید همواره رعایت شود. یک بار به پایگاه ما اعلام کردند که ۲۱ کوهنورد به دلیل مه رفتگی در محدوده عملیاتی ما مسیرشان را گم کرده اند. قبل از حرکت با تلفنی که داشتیم تماس گرفتیم و با مشاهداتمان مکان کوهنوردان را پیدا و به طرفشان حرکت کردیم. بعد از حدود ۲ ساعت کوهمیمایی تیم را پیدا کردیم. تعدادی زن و بچه هم همراهشان بود که به سختی راه می رفتند. هر چه مواد غذایی داشتیم به آنها دادیم. بعضی از آنها حتی یک کفش مناسب برای کوهنوردی نداشتند و به تصور اینکه می توانند با همین وضع تا قله بروند تا نزدیکی های پیاز چال حرکت کرده و مسیر را گم کرده بودند. به هر ترتیبی بود آنها را تا یک مسیر مناسب راهنمایی کردیم تا به طرف پایین کوه بروند. وقتی مسیر را نشانمان دادیم آنقدر خوشحال شده بودند که اشک از چشمانشان جاری بود.

بهار و تابستان افت فشار، گرفتگی عضلات، تنگی نفس و گرمزدگی گردشگران و کوهنوردان بیشترین عملیات هایمان را تشکیل می دهد. عامل بیشتر این حوادث کمبود آب بدن و رعایت نکردن نکات ایمنی لازم برای کوهنوردی است. این موضوع برایم کمی ناگوار است که بعضی افراد به آسانی خود را به دردسر می اندازند. البته در هر صورت ما وظیفه مان را انجام می دهیم ولی کمی احتیاط می توانساز وقوع فاجعه جلوگیری کند. یکی از عملیات هایی که در خاطر دارم مربوط به سال گذشته است که کوهنوردی برای چیدن گردو از درخت کنار پرتگاه بالا رفته و براثر بی احتیاطی به داخل دره پرت شده بود. یکی از کوهنوردان سراسیمه وارد پایگاه شد و ماجرا را بر ایمان تعریف کرد. بلافاصله به طرف محل حادثه حرکت کردیم. آن کوهنورد نیمه جان در پایین دره افتاده بود. وقتی از دره پایین رفتیم نمی توانست حرکت کند و خون زیادی از او رفته بود. بعد از انجام اقدامات اولیه با رعایت نکات اصولی مصدوم را بالا آوردیم. به دلیل وخامت حالش و صعب العبور بودن مسیر، درخواست بالگرد امداد کردیم و مصدوم را به بیمارستان انتقال دادیم. خوشبختانه با عملکرد به موقع، آن کوهنورد از مرگ نجات پیدا کرد.

داوطلبان

گپی با زوج امدادگر خراسان جنوبی

روستایان محروم را تنها نمی گذاریم

خانواده بزرگ هلال احمر، زوج های امدادگر کم ندارد. زوج های جوانی که عهد کرده‌اند در هنگام بروز حوادث و بحران‌ها، دردی از مردمان آسیب دیده دوا کنند و یاور خانواده‌های کم‌بضاعت مناطق محروم کشور هم باشند. جمال‌الدین آهنی و مرضیه مداح، زوج جوان اهل استان خراسان جنوبی هم با گذشت ۲ سال از شروع زندگی مشترک بر عهد خود وفادار مانده‌اند و با تشکیل گروهی از امدادگران و داوطلبان تلاش می‌کنند باری از روی شانه‌های خانواده‌های کم‌توان روستاهای محروم این استان بردارند.

جمال‌الدین آهنی و همسرش مرضیه مداح، اشتراک زیادی دارند. هر دو امدادگر داوطلب هلال احمر هستند، پیش از ازدواج هم برای کمک به خانواده‌های نیازمند و کم‌بضاعت مناطق محروم دغدغه داشتند و جالب‌تر اینکه ۱۵ سال از هلال‌احمری شدن هر دو نفرشان می‌گذرد.

جمال‌الدین آهنی که اکنون نجاتگر مرکز کنترل عملیات استان خراسان جنوبی است، از ماجرای پوشیدن لباس سرخ هلال احمر و اشتیاقش برای کمک‌رسانی به مردم مناطق محروم برای‌مان می‌گوید. همان شوق و علاقه‌ای که به گفته خودش پس از ازدواج و آشنایی با همسرش بیشتر از قبل در وجودش ریشه دوانده است.

او می‌گوید: «من و همسرم در بیرجند زندگی می‌کنیم اما بیشتر برای مردم روستاهای کم برخوردار حاشیه استان دغدغه داریم. وقتی دانشجو بودم به‌عنوان یک امدادگر داوطلب هلال احمر که دوره‌های مختلف امدادی را گذرانده به تنهایی به روستاهای محروم سفر می‌کردم و در حد توانم به آنها کمک‌های درمانی می‌رساندم.»

آشنایی و ازدواج جمال‌الدین با همسرش در دانشگاه اما باعث سر و سامان گرفتن این فعالیت بشردوستانه شد.

مرضیه مداح که او هم از امدادگران داوطلب جمعیت هلال احمر استان خراسان جنوبی است می‌گوید: «با پیشنهاد همسرم و مشارکت دیگر دانشجویان فعال دانشگاه، گروهی تشکیل دادیم که هنوز هم فعالیت‌ها ادامه دارد. گاهی همراه با دیگر اعضای گروه و گاهی هم من و همسرم به روستاهای نزدیک مرز سفر می‌کنیم.

روستاهای محروم مناطقی مانند نهبندان، قاین و... که حتی دسترسی با خودرو به آنها امکان‌ناپذیر است و مجبوریم چند ساعتی تا خود روستا پیاده‌روی کنیم. بیشتر این روستاها آب و برق ندارند و همین مسأله هم مشکلات بهداشتی زیادی برای اهالی ایجاد کرده است.»

آهنی در تکمیل صحبت‌های همسرش می‌گوید: «برای اهالی این روستاها امکان دسترسی به پزشک و برخی خدمات بهداشتی و شهری وجود ندارد. من و همسرم به این روستاها سفر می‌کنیم و خدماتی مانند تست فشار خون، قند خون، معاینات اولیه پزشکی، تأمین برخی اقلام دارویی و مواد غذایی و گاهی هم با کمک افراد خیر تأمین برخی لوازم اولیه زندگی را در حد توانمان برای اهالی انجام می‌دهیم. ۲ سال از شروع زندگی مشترک‌مان گذشته اما هر بار که به همراه هم به این مناطق سفر می‌کنیم، بیشتر از قبل برای کمک‌رسانی به آنها مصمم می‌شویم.»

